

بی اختیار طلق حق کمال بی اهل و عیال و اولاد و بی عیال  
اشرف زن خانه بود و حدود او لشکر ایمن و قوی و بزرگ  
اولاده سعاد برائت است که سالها با بیاضه اسلام او بود  
بر کون خاک قدم سید الانبیاء دیده در منزلت  
اولدی و دیدی بار رسول الله اگر چه سنده کی لطافت  
و سجمای ذات البهیجه صدق مدعا که گواه و مرموز  
انش از خرمین استنباه در بیت امینیه جمال حقیقت  
تایوزک تا اب زلال چشمه صدق صفا سوزک  
اما شظایق اطینان بچشم خیره ریزه دان و دیشینه کوز  
ایچ سر سربسته استکشاف ادبیت که افراک حل عقد  
اشکالی خاضه جناب پیغمبر دید اولیسی مقدمه اشراط  
الاعمال در بعضی عیالیم روز رستاخیزک سر پرده خفادن  
اول ساطع الظهور اولی و واقعه بلاباری نه اوله کرد  
یکنجیشی دار القیاضه تحت الماوی هر جوانی لار لطف الهی  
حمله دن اول تها ده سفره احسان ایده جلی نزار بچیشی

فغان

ظلال خرمین ایله دیدی ماز و باقیمت که در دیده کما کمان  
رحمت اینه کلری جو نسو کر نامه برداشت حکاک جود  
اولد قده سیکه مشایر سیما ییز و یکسی مذکر نامی اوز  
اولد و غنک و جوی نذر دیدی خواجسته شکل کشتی علم  
صلی الله علیه وسلم حقه فعل طراز و ثانی کوه بار بار  
بو معنای رشیدی به دکت معلوم دکل ایدی زمان کشتی  
جهان آفرین جبریل امین سنده اول شرف بخش ملکین  
بو اوج عقده مکث سر رشته کثابتن بکلمتیم ایلد  
اندن مشف سار شمع عبد الله اولد اوله امارت  
بنا مکث اول ظاهر اوله کما غایب مشرفه بر آتش دود اولد  
در که عرضه عامله کجی آوی زنه کوسقند کجی دور ب طرف  
معرب زمین جمع ایدر و جمله ذمه مقدم کشیده مطابقت  
اولا جلی طایفه زیاده جکر نامی کر که رسیدن مستخرجین مولانا  
جمال الدین المحدث روضه الاجابه لول نامی کیشی کر  
زمین اولان حوت مظهر اول زیاده جکر که تناول اولد